

موقعیت قره‌باغ کوهستانی و چشم‌انداز ادامه جنگ و یا صلح ارمنستان و آذربایجان!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

آتش‌بس شکننده آذربایجان و ارمنستان دیگری این‌بار با میانجی‌گری آمریکا از بامداد امروز دوشنبه ۵ آبان-۲۶ اکتبر از ساعت هشت صبح به وقت محلی آغاز شده است.

اما آتش‌بسی که با میانجی‌گری آمریکا به امضاء رسیده، بلافاصله نقض شده است. وزارت دفاع آذربایجان پنج دقیقه پس از این آتش‌بس از بمباران شهر تتر و حمله ارمنستان به مواضع نیروهای آذربایجان از شهر لاجین خبر داد. سخنگوی وزارت دفاع ارمنستان هم در حساب توییتری خود ساعت هشت و ۴۵ دقیقه از شکسته شدن آتش‌بس توسط آذربایجان گزارش داد.

وزارت امور خارجه آمریکا شامگاه یک‌شنبه ۴ آبان-۲۵ اکتبر با انتشار بیانیه‌ای از توافق آذربایجان و ارمنستان بر سر آغاز آتش‌بس بشردوستانه از ساعت هشت صبح به وقت محلی در روز دوشنبه ۲۶ اکتبر خبر داده بود.

در بیانیه وزارت خارجه آمریکا آمده است، این توافق در دیدار استفان بیگان، معاون وزیر امور خارجه آمریکا با جیچون بایراماف و زهراب مناتساکانیان وزاری خارجه آذربایجان و ارمنستان به دست آمده است و طرفین بار دیگر پایبندی خود بر سر اجرای توافق آتش‌بس انسانی که در دهم اکتبر در نشست مسکو حاصل شده بود، تاکید کردند.

روسیه، آمریکا و فرانسه به‌عنوان روسای مشترک «گروه مینسک» تلاش‌های خود برای یافتن یک راه‌حل سیاسی در قره‌باغ را تشدید کرده‌اند. قرار است اعضای گروه مینسک روز پنج‌شنبه ۲۹ اکتبر برای دستیابی به یک آتش‌بس همه‌جانبه بین آذربایجان و ارمنستان در ژنو ملاقات کنند. این گروه در سال ۱۹۹۲ توسط «سازمان امنیت و همکاری اروپا» برای حل و فصل صلح‌آمیز بحران قره‌باغ کوهستانی ایجاد شده است. ریاست مشترک گروه مینسک را روسیه، فرانسه و آمریکا برعهده دارند. علاوه بر این سه کشور، بلاروس، آلمان، ایتالیا، پرتغال، هلند، سوئد، فنلاند، ترکیه و همچنین ارمنستان و جمهوری آذربایجان عضو گروه مینسک هستند. گروه مینسک با گذشت حدود سه دهه، هنوز موفق نشده است در منطقه قره‌باغ کوهستانی صلحی پایدار برقرار کنند.

هم‌زمان با آتش‌بس الهام علی‌اف با ارسال تویییتی از آزادی شهر قوبادلی خبر داد. این شهر اهمیت استراتژیک دارد. مقامات جمهوری آذربایجان اعلام کردند که با آزاد شدن این شهر یکی از چهار قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد برای خروج نیروهای ارمنستان از قره‌باغ را اجرا کرده‌اند.

با آزادسازی قوبادلی شهر خان‌کندی مرکز قره‌باغ که به آن ارمنی‌ها استپاناکرت می‌گویند از سه جبهه شوشا، کلبجر و قوبادلی مورد محاصره قرار گرفته است.

جمهوری آذربایجان در چند روز گذشته موفق شده است شهرهای فضولی، هادروت، جبرایلی و زنگیلان را آزاد کند.



تاکنون بین دو طرف دو بار آتش‌بس برقرار شده ولی درگیری‌ها به سرعت از سر گرفته شده است. پانزده عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز تلاش کردند تا بر سر پیشنهاد بیانیه‌ای برای توقف درگیری در ناگورنو قره‌باغ به توافق برسند، اما دیپلمات‌ها می‌گویند که مذاکرات برای این کار متوقف شده است زیرا برخی از اعضای خواستار ارجاع به قطع‌نامه‌های قبلی سازمان ملل در این زمینه هستند، اما روسیه، آمریکا و فرانسه با چنین رویکردی مخالفند.

پیش‌تر وزرای خارجه ارمنستان و آذربایجان روز جمعه ۹ اکتبر به‌دعوت ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه وارد مسکو شدند. مذاکرات آن‌ها بیش از ۱۰ ساعت به طول انجامیده و با تصویب یک توافق‌نامه به پایان رسید. این توافق‌نامه شامل چهار نکته برای حل اختلاف است. اما کمی بعد وزارت‌خانه‌های دفاع ارمنستان و آذربایجان یکدیگر را بارها به نقض آتش‌بس در قره‌باغ متهم کرده‌اند.

سران روسیه، آمریکا و فرانسه پیش از این از طرف‌های درگیری خواسته بودند تا درگیری‌ها را متوقف کنند و بدون پیش‌شرط شروع به مذاکره کنند. ترکیه اظهار داشت که در صورت وخیم‌تر شدن اوضاع در قره‌باغ، هرگونه پشتیبانی را که آذربایجان بخواهد به باکو ارائه خواهد کرد.

منطقه قره‌باغ به‌لحاظ جغرافیای طبیعی عموماً به سه بخش تقسیم شده است: ۱- «قره‌باغ کوهستانی» (ناگورنو- قره‌باغ) در مرکز و از شمال غربی تا جنوب شرقی ۲- «دشت قره‌باغ» در شرق و شمال شرقی (استپ‌های بین رود ارس و رود کورا) ۳- «زنگه‌زور» در غرب و جنوب غربی. (دامنه‌های شرقی کوه‌های زنگه‌زور)

هم‌اکنون نیز این منطقه مورد مناقشه جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان، به‌طور دو فاکتو یک کشور مستقل، در جنوب قفقاز است. منطقه قره‌باغ، بیش‌تر اراضی ناحیه خودمختار قره‌باغ کوهستانی سابق و بخشی از ناحیه پیرامون آن را تحت کنترل دارد و با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ایران هم‌مرز است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، طی قطع‌نامه‌های ۸۲۲، ۸۵۳، ۸۷۴ و ۸۸۴ صراحتاً از ارمنستان خواسته که از مناطق اشغالی آذربایجان و از جمله منطقه قره‌باغ کوهستانی آذربایجان خارج شوند.

اکنون در منطقه مورد مناقشه ناگورنو- قره‌باغ در قفقاز جنوبی فاجعه‌ای در حال وقوع و گسترش است. در حدود قرن هفتم هجری، منطقه مثلثی شکل بین رودهای کر، ارس و کوهستان‌های زنگه‌زور، قره‌باغ نام گرفت. جغرافیای این منطقه دارای تنوع فراوانی بوده و متشکل از دشت‌های وسیع تا کوهستان‌های بلند است. در اواخر قرن هجدهم، خان محلی قره‌باغ به‌عنوان قدرتمندترین حاکم محلی بر دیگر خانات قفقاز، سایه افکنده بود ولی طی شیوع بیماری‌های مرگبار و مهاجرت ساکنان، این منطقه تقریباً خالی از سکنه گردید.

جمهوری آذربایجان بر خلاف جمهوری ارمنستان، یکی از کشورهای نفت‌خیز و پولدار منطقه است که بخشی عظیمی از سرمایه‌های خود را به خرید سلاح‌های مدرن و پیشرفته از جهان به‌ویژه اسرائیل اختصاص داده است. علی‌اف، رییس‌جمهور آذربایجان، مناسبات حکومتش با حکومت اسرائیل را به کوه یخ تشبیه کرده و گفته است: «تنها نوک کوه قابل مشاهده است و ۹۰ درصد آن زیر آب قرار دارد.»

به‌عنوان کسی که چهار دهه است از جمله وقایع این منازعه آذربایجان و ارمنستان را از هر دو طرف درگیر انعکاس داده و مطالعه کرده‌ام و با در نظر گرفتن منافع و رقابت‌ها و دخالت دولت‌های منطقه و ذی‌نفع به این نتیجه می‌رسیم که حل این مسئله بسیار پیچیده و بغرنج است. آن‌هم در حالی که این بار دیگر مسئله به سادگی تبادل آتش میان دو کشور در مناطق مرزی نیست. اوضاع جدی‌تر شده و به‌نظر می‌رسد که دو کشور حاضر به عقب‌نشینی از خواسته‌هایشان نیستند و مطابق معمول پای دیگر کشورها هم به میان آمده است. برخی معتقدند مسئله میان آذربایجان و ارمنستان، اگر از کنترل خارج شود می‌تواند به جنگی ویران‌گر و همه‌جانبه تبدیل شود.

صرف‌نظر از بررسی دلایل و علل آغاز و نتایج مجدد جنگ میان آذربایجان و ارمنستان، آنچه توجه تحلیل‌گران منطقه را به خود جلب کرده، نقش‌آفرینی حکومت ترکیه در رابطه با این بحران است. رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهوری جنگ‌طلب ترکیه از مردم ارمنستان خواست تا آینده خود را از دست دولتی بگیرند که «آن‌ها را به‌سوی فاجعه سوق می‌دهد.» اردوغان در رشته توییت‌اش همچنین نوشت: «ملت ترکیه با همه امکاناتی که در اختیار دارند در کنار کشور برادر آذربایجان می‌ایستند.» اردوغان، روز ۲۸ سپتامبر قول داد که از باکو حمایت کند و گفته بود که ارمنستان باید «بلافاصله از خاک جمهوری آذربایجان که اشغال کرده است خارج شود.» بنابراین حضور نظامی ترکیه در مناقشه بر سر منطقه کوهستانی قره‌باغ می‌تواند به این رویارویی ابعاد جدیدی بخشیده و باعث شعله‌ور شدن یک جنگ تمام عیار گردد.

حکومت اسلامی ایران نیز سرانجام پس از یک ماه تناقض‌گویی و گجی در رابطه با جنگ حکومت‌های آذربایجان و ارمنستان، یک «تیپ مکانیزه» را در مناطق مرزی با ارمنستان و آذربایجان مستقر کرده است. به‌گزارش سپاه نیوز، این تیپ مکانیزه و «تانک‌ها و تجهیزات نظامی» در مناطق خداآفرین و جلفا مستقر شده است.

هم‌اکنون سربازان ارمنستان در هفت شهر متعلق به جمهوری آذربایجان حضور دارند که خطه‌ای هم مرز با ایران است. در عین حال عصر پنج‌شنبه ۲۲ اکتبر، الهام علی‌اف، رییس‌جمهوری آذربایجان در توییت نوشت: «مرز رسمی ایران و آذربایجان با آ‌اسازی «آعبند»، به‌طور کامل در امن و امان قرار گرفت.»

بر اساس گزارشات و به ادعای مقامات حکومت اسلامی ایران، روستاهای مرزی ایران در روزهای گذشته از گزند توپخانه طرفین در امان نبوده‌اند. فرماندار شهرستان خداآفرین اعلام کرد که تنها در روز چهارشنبه ۳۰ مهر، ۷۱ گلوله جنگی به روستاهای این شهرستان اصابت کرده‌اند. همچنین گفته شده که در سه هفته گذشته، چند پهپاد هم در خاک ایران سقوط کردند که به گفته مقامات مسنول، خسارات جانی و مالی نداشتند. آخرین مورد، روز سه‌شنبه ۲۹ مهر، یک پهپاد در روستای «قره‌قوج» در اراضی مرتعی بخش منجوان افتاد.

در روزهای اخیر خبر استقرار نیروهای نظامی ایران در مرز مشترک با آذربایجان و ارمنستان منتشر شده بود، حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی امروز دوشنبه از خطوط مرزی شهرستان خداآفرین در آذربایجان شرقی بازدید کرد. پیش‌تر فرمانده نیروی زمینی سپاه از این منطقه بازدید کرده بود. شهرستان مرزی ۳۵ هزار نفری خداآفرین در ۲۱۰ کیلومتری شمال شرق ایران و در امتداد خط جنگ قره‌باغ واقع شده است.

به‌گفته ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهوری روسیه تا کنون نزدیک به ۵ هزار نفر از نیروهای نظامی و شهروندان غیرنظامی دو طرف در آن کشته شده‌اند. تاکنون در جریان نبرد قره‌باغ به هیچ یک از خطوط لوله‌ای که نفت و گاز آذربایجان را از طریق قفقاز جنوبی به بازارهای جهانی منتقل می‌کنند، آسیبی وارد نشده است، اما آذربایجان نسبت به امنیت این خطوط ابراز نگرانی کرده است.

ولادیمیر پوتین، همچنین با شرکت در نشست اندیشکده والدای این کشور از طریق ویدیو کنفرانس در رابطه با درگیری‌های قره‌باغ کوهستانی گفته که: روسیه با آذربایجان و ارمنستان همواره روابط خوبی دارد. بیش از دو میلیون ارمنی و حدود دو میلیون آذربایجانی در روسیه زندگی می‌کنند. دو کشور شرکایی با ارزش یک‌سان برای روسیه هستند.

آذربایجان می‌گوید ارتش آذربایجان در روزهای اخیر در جریان جنگ قره‌باغ، ۳ شهر، سه قصبه و ۱۳۶ روستا را از تصرف ارمنستان خارج کرده و کنترل کامل نوار مرزی با ایران را از نیروهای ارمنی بازپس گرفته است. مقامات جمهوری خودمختار ناگورنو قره‌باغ می‌گویند نیروهای شان چندین حمله ارتش آذربایجان را دفع کرده و اوضاع را تحت کنترل دارند. ارمنستان یک‌شنبه ۲۵ اکتبر - چهار آبان نیروهای آذربایجان را به حمله به شهرک‌های غیرنظامی متهم کرد. مقامات قره‌باغ نیز اعلام کردند نیروهای آذربایجانی شبانه شهرک آسکران (در ۱۷ کیلومتری شمال شرق استپاناکرت یا خان‌کندی) و شهرک مارتونی در ارمنستان را هدف آتش توپخانه خود قرار داده‌اند. ادعایی که باکو آن را رد و در مقابل ادعا کرد مواضعش با اسلحه سبک، خمپاره‌انداز، تانک و توپ‌های هویترز مورد حمله قرار گرفته است.

ریشه‌های تاریخی این جنگ و مناقشه، به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و افول امپراتوری‌های روسیه، ایران، عثمانی و روم می‌رسد، هر یک از طرفین ادعاهای تاریخی خود را در مورد جنگ و برقراری صلح دارند. منطقه قره‌باغ کوهستانی اکثریت جمعیت ارمنی دارد اما به‌لحاظ جغرافیایی در خاک آذربایجان قرار دارد و همچنین ترک‌های آذربایجانی بسیاری را هم در خود جا داده است.

در سال ۱۹۹۲، الهام علی‌اف رییس‌جمهور آذربایجان از اعطای «بالاترین سطح خودمختاری در جهان» به ارمنی‌های قره‌باغ سخن گفت، اما با این‌حال از سال ۱۹۹۱ تاکنون، دولت آذربایجان عملاً نتوانسته نشان دهد که چنین اعطایی کجا و چگونه ارائه شده است.

در عین حال طرف ارمنی هم مقصر است و با اقدامات خود در طی دهه‌های گذشته به‌نوعی به این منازعه ابعاد جدیدی داده است. بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴، نیروهای ارمنستان نه تنها خود ناگورنو-قره‌باغ، بلکه کل یا قسمتی از هفت بخش عادی آذربایجان را تحت کنترل خود درآورده‌اند و با بیرون راندن حدود ۷۰۰ هزار ترک آذربایجانی از خانه‌های‌شان مسبب فاجعه‌ای انسانی شده‌اند. سران ارمنستان در ابتدا، مدعی شدند که صرفاً یک «منطقه حائل» را به‌طور موقت تسخیر کرده‌اند. اما در طی این سال‌ها آن‌ها حدود ۱۷۰۰۰ مهاجر ارمنی را در این مناطق به اصلاح «آزادشده» جای داده‌اند.

هم‌زمان با ادامه جنگ خونین میان جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه ناگورنو-قره‌باغ، رسانه‌های اسرائیل از افزایش پرواز هواپیماهای حامل جنگ‌افزار اسرائیلی به‌سوی جمهوری آذربایجان خبر داده‌اند.

روزنامه هآرتس، سه‌شنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۹، هم‌زمان با دهمین روز از تجدید این جنگ در قفقاز جنوبی نوشت، در دو هفته اخیر پروازهای باربری حامل اسلحه اسرائیلی به آذربایجان به میزان چشمگیری افزایش یافته است.

به گزارش این روزنامه، در دوران همه‌گیری ویروس کرونا فرودگاه اسرائیل «سوت و کور» است و پروازهای تجاری تقریباً وجود ندارد اما خط هوایی باربری در مسیر تل‌آویو - باکو شاهد «شکوفایی» است.

هآرتس نوشته است در شرایطی که آتشباری توپ‌ها در قفقاز ظنین انداخته، افزایش پروازها در مسیر اسرائیل-آذربایجان «نتیجه مستقیم تجدید جنگ» در منطقه قره‌باغ کوهستانی است.

رادارهای رصد، پرواز هواپیماهای ترابری آذری سیلکوی را که مورد استفاده وزارت دفاع آذربایجان نیز هست، در مسیر باکو به فرودگاه نظامی «رامون» در نزدیکی پایگاه ارتش اسرائیل در منطقه «عوودا» ثبت کرده‌اند. این پروازها که از پیش از بروز حملات اخیر نظامی در قره‌باغ آغاز شده ظاهراً کماکان ادامه دارد.

از سوی دیگر، آرمین سرکیسیان، رییس‌جمهور ارمنستان، روز دوشنبه ۱۴ مهر با رنئون ریولین، هم‌تای اسرائیلی‌اش، درباره وضعیت در قره‌باغ و شرایط کشورش تلفنی گفت‌وگو کرد.

به گزارش سایت خبری اسرائیلی وای‌نت، رییس‌جمهور اسرائیل از کشته‌شدن مردم در هر دو طرف جنگ ابراز «تاسف» کرد اما به رییس‌جمهور ارمنستان گفت که روابط اسرائیل و آذربایجان «سال‌های طولانی ادامه داشته و همکاری آن‌ها علیه کشور ثالثی نیست».

پاسخ رییس‌جمهور اسرائیل، ظاهراً به مفهوم رد خواسته ارمنستان در خصوص قطع معاملات نظامی تلقی شده است. سفیر ارمنستان نیز در اعتراض به معاملات تسلیحاتی اسرائیل به آذربایجان، تنها دو هفته بعد از کشایش سفارت ارمنستان در تل‌آویو، به ایروان فرا خوانده شد.

اما کارشناسان نظامی اسرائیلی در واکنش به «ابراز امیدواری» سفیر ارمنستان، هر نوع توقف یا تعلیق فروش تسلیحات اسرائیلی به آذربایجان را «بعید» دانستند. به‌گزارش خیرگزاری فرانسه، دولت اسرائیل مصمم به اجرای «معاملات چند میلیارد دلاری اسلحه» با آذربایجان با وجود شکایات ارمنستان است.

با وجود این که حکومت ترکیه با اسرائیل کشمکش دارد اما آذربایجان پیوندهای سیاسی - نظامی گسترده و درازمدت با اسرائیل برقرار کرده است. در تاریخ دوازدهم اکتبر دادگاه عالی اسرائیل درخواست منع فروش تسلیحات به آذربایجان را به‌دلیل فقدان دلیل و شواهد «استفاده از آن برای ارتکاب جنایت جنگی علیه ارمنستان» رد کرد. به این ترتیب فروش پهپادها و سایر جنگ‌افزارهای مدرن اسرائیلی به باکو ادامه خواهد یافت. در جریان رسیدگی در دادگاه عالی اسرائیل، مدارکی ارائه شدند که اسرائیل تا ۶۰ درصد کل خرید تسلیحات آذربایجان در خارج از کشور را تامین می‌کند. به‌عبارت دیگر اسرائیل تامین‌کننده اصلی و عمده تسلیحات نظامی جمهوری آذربایجان است. پس از اسرائیل، روسیه و بلاروس در مقام‌های دوم و سوم و ترکیه در جایگاه چهارم قرار دارد.

«افرام اینبار» رییس‌انستیتوی استراتژی و امنیت اورشلیم به خبرگزاری «فرانس پرس» گفته که «آذربایجان برای ما کشور مهمی است.» «ما همیشه سعی می‌کنیم تامین‌کننده خوبی برای آن‌ها، حتی در مواقع تنش باشیم... ما موظف هستیم قراردادهایی از این نوع که با آذربایجان بسته‌ایم را انجام دهیم. ما هیچ مسنولیتی در قبال آن‌چه که آن‌ها انجام می‌دهند را نمی‌پذیریم...»

به این ترتیب جمهوری آذربایجان یکی از بزرگترین واردکنندگان تجهیزات نظامی جهان به شمار می‌آید که اخیراً خریدهای تسلیحاتی این کشور شتاب معناداری پیدا کرده است.

تا آنجا که به ارمنستان مربوط است هیچ‌کس مانع این کشور برای خرید تجهیزات مشابه نشده است. اما حکومت ارمنستان برای این امر بودجه‌ای ندارد. در سال ۲۰۱۹ گردش تجاری بین اسرائیل و ارمنستان روی هم رفته ۶۰ میلیون دلار بود، تقریباً صد برابر کمتر از گردش تجاری بین اسرائیل و آذربایجان.

ارمنستان در سوریه از فشار اسد حمایت می‌کند و در لبنان نیز به «حزب‌الله» نزدیک است و مهمتر از همه ایروان روابط استراتژیک با دشمن «قسم خورده» اسرائیل، یعنی ایران دارد.

اساساً حکومت روسیه تاکنون یک نوع توازن قوا بین این دو جمهوری رقیب به وجود آورده بود اما اکنون به‌نظر می‌رسد این تعادل و توازن در حال به هم خوردن است. چرا که نشست اخیر روسیه بین طرفین جنگ موفقیتی به دست نیاورد و حاکمیت آمریکا نشستی را بین سران دو کشور متخاصم آذربایجان و ارمنستان در آمریکا برگزار کرد. چنین تحولی نشان‌دهنده معادلات منطقه‌ای است به خصوص در جنگ اخیر قره‌باغ. حکومت ترکیه آتش بیار معرکه است و عملاً در این جنگ نیز همانند جنگ داخلی سوریه در مقابل حکومت روسیه و ایران قرار گرفته است اما در عین حال تاکنون این سه حکومت رابطه نزدیکی با همدیگر ندارند.

بی‌جهت نیست که سرگی لاوروف وزیر خارجه روسیه به تازگی در مصاحبه‌ای گفته که معادلات قدرت در جهان در حال دگرگونی است و قطب‌بندی‌های نوینی در حال شکل‌گیری است. به‌گفته او، غرب چنین تحولی را نمی‌پسندد و در برابر آن قرار گرفته است و می‌خواهد چندین سده سلطه خویش را حفظ کند. او به اهمیت پای‌بندی کشورها به نظم بین‌الملل در چارچوب سازمان ملل و التزام به قطع‌نامه‌های آن اشاره کرده.

این سخنان لاوروف احتمالاً بازتاب موقعیت دشوار روسیه و چالش‌های مختلفی که با آن روبه‌رو است، است. امروز روسیه در قفقاز، بلاروس، سوریه، لیبی و شرق مدیترانه با کشورهایی که منافع گاه متضاد دارند در کشمکش است. درگیری میان ارمنستان و آذربایجان بر سر قره‌باغ و خطر کشیده شدن پای گروه‌های مسلح اسلام‌گرا به آن توسط حکومت ترکیه، تازه‌ترین نمونه چالشی است که نه تنها روسیه، بلکه ایران را نیز بار دیگر در برابر ترکیه قرار داده است. ترکیه برای روسیه، ثبات منطقه و جلوگیری از نفوذ بیش‌تر ناتو در شرق اهمیت دارد. به‌علاوه روسیه با ارمنستان هم توافقی‌های نظامی و تعهدات امنیتی دارد. مهم آن است که ارمنستان هم به سوی غرب تمایل پیدا نکند.

بحران‌های حکومت اسلامی ایران در اثر دهه سیاست‌های تنش‌آفرین این حکومت و همچنین فشار تحریم‌های آمریکا فرصتی را برای ترکیه و برخی دیگر کشورهای منطقه فراهم کرده تا حوزه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را گسترش دهند. نزدیک شدن امارات متحده عربی و بحرین و سودان به اسرائیل قطب‌بندی منطقه‌ای جدیدی است که در برابر ایران و ترکیه و روسیه در حال شکل‌گیری است. جبهه‌ای که احتمالاً در آینده گسترش خواهد یافت.

دولت ترکیه در راستایی منافع خود به‌ویژه پروژه خط لوله نفت و گاز طبیعی آذربایجان از دریای خزر به بند جبهان در مدیترانه و آتش بیار جنگ ارمنستان و آذربایجان است. حزب عدالت و توسعه در سال‌های اخیر در اتحادی نزدیک با حزب حرکت ملی ترکیه مسیری ناسیونالیستی اتخاذ کرده است که در پی شکست مذاکرات صلح با پ.ک.ک در سال ۲۰۱۵ به سرکوب جنبش سیاسی مردم کرد منجر شد.

افزایش ماجراجویی بین‌المللی و شعارهای تهاجمی با چالش‌های بزرگ اقتصادی برای ترکیه و گزارش‌هایی مبنی بر وضعیت بد حزب اردوغان در نظرسنجی‌ها هم‌زمان شده است. جمهوری آذربایجان یکی از شرکای اصلی ترکیه در حوزه انرژی است. این کشور بخش اعظم نیازهای انرژی خود را از خارج تامین می‌کند.

طبق گزارش‌ها، حدود یک‌سوم واردات گاز طبیعی ترکیه در ماه مه از جمهوری آذربایجان بود. نفت دریای خزر نیز به بندر جیحان در ساحل دریای مدیترانه فرستاده می‌شود. صادرات گاز طبیعی روسیه در سال‌های اخیر به ترکیه کاهش پیدا کرده است، و کارشناسان مدعی شده‌اند که مسکو می‌خواهد روابط آنکارا و باکو را در حوزه انرژی مختل کند.

ترکیه با پشتیبانی آشکار از آذربایجان نیروهای جنگ‌طلب «ارتش آزاد سوریه» و سایر گروه‌های مذهبی جنگ‌طلب درگیر در جنگ داخلی سوریه را به این جنگ فرستاده است. در این رابطه اخبار و گزارشات مبهم و متناقض زیادی مطرح شده است. ۲۴ سپتامبر ترکیه ۳۰۰ تن از جنگ‌طلبان لشکر سلطان مراد و گروه الامشات را از شهرستان عفرین در شمال‌غربی حلب به آنجا روانه کرده است.

روسیه و فرانسه نیز درباره حضور جهادگرایان مسلمان در جنگ قره‌باغ ابراز نگرانی کرده و امانوئل مکرون رسماً از ترکیه در این ارتباط توضیح خواسته است. حکومت اسلامی ایران نیز بدون اظهار نظر صریح در این رابطه، نیروهای نظامی و سپاه پاسداران را با توپ و تانک در مرزهایش با قره‌باغ و ارمنستان مستقر کرده است.

دفتر دیده‌بان حقوق بشر سوریه از حضور ۸۵۰ جهادگرای سوری در منطقه قره‌باغ خبر داده است. همین مرکز حتی در اطلاعیه آخر خود نوشته است که تا کنون دست‌کم ۲۸ جنگجوی سوری در قره‌باغ کشته شده‌اند.

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، به گزارش‌هایی اشاره می‌کند که توسط سازمان‌های اطلاعاتی تهیه شده‌اند. بر اساس این گزارش‌ها، گفته شده است که ترکیه دست‌کم ۳۰۰ مزدور سوری را به منطقه قره‌باغ اعزام کرده است. این افراد بخشی از شورشیان سوری هستند که از حمایت و پشتیبانی ترکیه در جنگ علیه فشار اسد برخوردارند.

گزارش‌های منتشرشده از سوی سازمان‌های اطلاعاتی حکایت از آن دارند که ترکیه این افراد را از منطقه غازیان‌تپه به قره‌باغ اعزام کرده است. ترکیه برای دخالت در جنگ داخلی لیبی و مناقشه میان ارمنستان و آذربایجان در منطقه قره‌باغ از مزدوران سوری استفاده می‌کند. برخی از شهروندان سوری می‌گویند ترکیه با وعده‌های دروغین آن‌ها را به این مناطق اعزام کرده است.

این در حالی است که خبرگزاری آلمان حتی از حضور مزدوران لیبیایی در جنگ بین ارمنستان و آذربایجان خبر داده است. گفته می‌شود که این افراد نیز به موازات جهادگرایان سوری، برای حمایت و پشتیبانی از ارتش آذربایجان در منازعات قره‌باغ حضور دارند.

کانال یک تلویزیون آلمان در گزارشی که جمعه ۲۳ اکتبر پخش شد با تعدادی از این افراد که سرنوشت خود را پس از بازگشت از این مناطق بازگو می‌کنند گفت‌وگو کرده است. یکی از این افراد می‌گوید مردان سوری با وعده‌های غیرواقعی و فریبنده، از جمله برای نگرانی‌های مرزها به این مناطق اعزام می‌شوند اما در آنجا مجبور شده‌اند به‌عنوان «مزدور» در خط مقدم جبهه بجنگند. فرد دیگری می‌گوید آن‌ها به محض رسیدن به میدان نبرد بلافاصله شب و روز هدف گلوله و خمپاره قرار گرفته‌اند و برخی کشته و عده‌ای به شدت مجروح و در مواردی دچار نقص عضو شده‌اند.

شماری از این مزدوران گفته‌اند پیش از اعزام به جبهه تجربه حضور در میدان جنگ را نداشته‌اند و احساس می‌کنند که ترکیه از آن‌ها به‌عنوان «گوشه دم توپ» استفاده می‌کند.

فرماندهی نیروهای ترکیه در لیبی و منطقه کوهستانی مورد مناقشه میان ارمنستان و آذربایجان در قره‌باغ بر عهده افسران ارتش ترکیه است اما اغلب جنگجویان در خط مقدم جبهه، سوری و بیش‌تر از ساکنان استان ادلب هستند.

نهادهای مستقل در مناطق جنگی حضور ندارند. رسانه‌های روسیه که از ارمنستان پشتیبانی می‌کند شمار مزدوران سوری در منطقه قره‌باغ را تا ۲ هزار نفر اعلام می‌کند، اما ترکیه تا کنون در این باره سکوت کرده است.

برخی مزدوران سوری به کانال یک تلویزیون آلمان گفته‌اند که نظامیان ترکیه در مناطق اشغالی در استان ادلب یا در اقامتگاه‌های آوارگان و پناهنجویان در اطراف این استان، به آن‌ها وعده پرداخت ماهی ۲ هزار دلار داده‌اند و تاکید کرده‌اند که ماموریت آن‌ها صرفاً نگرهبانی است و به خط مقدم جبهه اعزام نمی‌شوند.

شاهدان گفته‌اند افرادی که این گونه جذب می‌شوند، پس از جمع کردن تلفن‌های همراه آن‌ها، از طریق ترکیه و با هوایم‌های نظامی یا مسافری به‌صورت گروهی به طرابلس یا باکو منتقل می‌شوند.

در این میان وضعیت در ادلب، به‌عنوان یکی از آخرین مناطق خارج از کنترل نیروهای حکومت بشار اسد بسیار پیچیده است. برآورد می‌شود که حدود سه میلیون آواره سوری در این منطقه زندگی می‌کنند و صدها هزار نفر آن‌ها در اردوگاه‌های پناهنجویان اسکان داده شده‌اند.

حکومت بشار اسد بارها تاکید کرده که از هیچ اقدامی برای بازپس گرفتن ادلب از شورشیان خودداری نمی‌کند. در عین حال ترکیه که در این منطقه با سوریه مرزهای مشترک طولانی دارد جانب‌جانب جنگجویان مخالف حکومت سوریه را گرفته و نیروهای نظامی خود را در بخش وسیعی از آن به‌عنوان نیروی محافظ مستقر کرده است.

اکثر ساکنان ادلب زیر خط فقر و در فلاکت زندگی می‌کنند. بسیاری از آن‌ها، حتی از دسترسی به آب و برق و داشتن سرپناه محرومند. یکی از مزدوران اعزامی از این منطقه می‌گوید او با وجود مشاهده کشته و مجروح شدن بسیاری از هم‌شهری‌های خود چاره دیگری نداشته است: «باید اسلحه به دست می‌گرفت یا قادر به امرار معاش خانواده خود نبود.»

او می‌گوید راه دیگری نداشته اما پس از دو ماه جنگ در یک کشور بیگانه و حضور بی‌وقفه در خط مقدم جبهه دیگر تحملش به پایان رسید و به خانه بازگشت. این مزدور سابق افزود از این جنگ جان سالم به در برده اما ماهی دو هزار دلاری که نظامیان ترکیه وعده دادند را به‌طور کامل دریافت نکرده و کس دیگری را هم نمی‌شناسد که تمام حقوق خود را دریافت کرده باشد.

تاکنون سربازان و نیروهای وابسته به ترکیه در لیبی، اقلیم کردستان عراق، سوریه، روژآوا (کردستان سوریه) حضور داشتند و اکنون آذربایجان نیز به این لیست افزوده شده است. اکنون گفته می‌شود شبه‌نظامیان از سوریه (اعراب سنی و ترکمن‌ها تحت حمایت ارتش ترکیه) را به آنجا اعزام کرده‌اند. در شرق مدیترانه، ناوگان نظامی ترکیه به بهانه حفاظت از انرژی «گاز» آنکارا مستقر شده و با یونان و قبرس و فرانسه در حال تنش شدید قرار دارند.

دخالته نظامی ترکیه در جنگ میان ارمنستان و آذربایجان به هیچ‌وجه برای روسیه و هم حکومت اسلامی ایران قابل تحمل نیست و آن را خطرناک‌تر از حضور ترکیه در لیبی و سوریه می‌داند. این نکته‌ای است که وزیر خارجه روسیه در ابتدای جنگ جدید در قره‌باغ در تماس تلفنی با وزیر خارجه ترکیه آن را به اطلاع دولت ترکیه رسانده است. روسیه شریک مهم ارمنستان است و با این کشور در یک اتحاد نظامی در چارچوب سازمان پیمان امنیت «اوت.اس.ت.» قرار دارد.

واقعیت این است که برای حکومت ترکیه مسئله ملیت و مذهب بهانه‌ای بیست نیست. هدف اصلی سران حکومت ترکیه، دسترسی به «گاز و نفت» آذربایجان و گسترش تفکر توسعه‌طلبی نوع‌گرای است. در ژوئیه گذشته، درگیری در منطقه مرزی «تووز»، نه چندان دور از مناطق عبور خطوط لوله انتقال گاز و نفت آذربایجان از گرجستان به ترکیه که آنکارا آن را راهی برای وابستگی کمتر به روسیه می‌داند آغاز شد. دلیل دیگر شعله‌ور شدن جنگ قره‌باغ در تمایل ژئوپلیتیک برای طراحی مجدد قفقاز جنوبی در تصویری از امپراتوری عثمانی است. به همین دلیل حکومت ترکیه زمینه‌ساز جنگ جدید در قره‌باغ شده است. از نگاه ترکیه و جمهوری آذربایجان، ارمنستان و قره‌باغ «آیسه‌های چرکینی» هستند که باید ریشه‌کن شوند.

رجب طیب اردوغان رییس‌جمهور ترکیه جاه‌طلبی‌های خود را پنهان نمی‌کند: «تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ در مدیترانه، خاور نزدیک و میانه و در نتیجه، در قفقاز. حداقل در قسمت جنوبی آن.»

دولت ترکیه در خلال سلسله رویدادهای سال ۱۹۹۴-۱۹۹۲، همکاری خود با ارمنستان نشد و حتی در طی سی سال گذشته نیز، تبدلات همه‌جانبه از احزاب ملی‌گرا و یا قطع همکاری‌های اقتصادی خود با ارمنستان نشد و حتی در واقع شرایط جدید منطقه‌ای و جهانی تجاری ترکیه با ارمنستان برقرار بوده است که خوش‌آیند حاکمیت آذربایجان نیست. در واقع شرایط جدید منطقه‌ای و جهانی فرصت مناسبی برای جمهوری ترکیه و جمهوری آذربایجان فراهم کرد تا به گونه دیگری وارد تحولات منطقه شوند. از جمله آزمایش‌های نظامی مشترک که از روز ۲۹ ژوئیه با شرکت نیروهای زمینی و هوایی ارتش ترکیه و جمهوری آذربایجان آغاز شد، تا دهم آگوست ادامه یافت.

در حالی که آتش خمپاره تا نواحی آن سوی ارس، رودخانه مرزی بین ایران و قفقاز رسیده، حکومت اسلامی ایران نگران حفظ امنیت خود و گسترش اعتراض مردم این مناطق است. با این حال مواضع حکومت اسلامی ایران بسیار متناقض است و شفافیت ندارد. چرا که حکومت اسلامی از سال ۱۹۹۲ شریک بزرگ حکومت ارمنستان بوده است و به عنوان مثال یک راه برای تامین سلاح و آذوقه در طی جنگ به این جمهوری بوده است. این همکاری و شراکت ویژه در حوزه انرژی (تهران به یروان گاز و ارمنستان برق تولید شده در نیروگاه متسامور را صادر می‌کند) اغلب از سوی تحلیلگران نشانه منفعت‌گرایی حکومت اسلامی ارزیابی می‌شود. به عبارت دیگر حکومت اسلامی ایران همانند همه حکومت‌های سرمایه‌داری منطقه و جهان، اهمیتی به ویران‌گری این جنگ و کشتار مردم آذربایجان و ارمنستان نمی‌دهد و صرفاً به فکر منافع سرمایه‌داری و امنیت خود است. به علاوه مهم‌تر از همه گفتمان رسمی حکومت اسلامی در حمایت از مسلمانان «مظلوم» فلسطین، کشمیر و یا روئینگیا، تاکنون شامل مردم آذربایجان و ناگورنو قره‌باغ نبوده است.

با این حال در درگیری سال ۲۰۲۰، ظاهراً حکومت اسلامی ایران تاکنون با کارت بی‌طرفی بازی می‌کرد و حتی پیشنهاد وساطت هم داده بود. اما تحولات جدید در مرزهای ایران و قره‌باغ و ارمنستان، نقش متحد خلل‌ناپذیر ارمنستان در گذشته می‌تواند برای حکومت اسلامی حتی در داخل مرزهایش مشکل به وجود آورد. تظاهرات اول اکتبر که هزاران نفر در اصلی‌ترین شهرهای آذربایجان ایران و همچنین تهران در آن شرکت کردند نشان این امر است. آن‌ها در این تظاهرات خواستار بسته‌شدن مرز زمینی با ارمنستان شدند که گویا سلاح‌های روسیه از این طریق به این کشور ارسال می‌شود.

در این شرایط، برجسب دشمن جمهوری آذربایجان بودن برای حکومت اسلامی ایران می‌تواند منبع اعتراضات داخلی شود و به خصوص احساسات پان‌ترکیستی را تحریک کند. در بعضی از تصاویر تظاهرات اول اکتبر ۲۰۲۰ در رسانه‌های ترکیه، سوزاندن پرچم ارمنستان دیده می‌شود. اخبار منتشر شده درباره ۸۰ موسسه ایرانی خواستار سرمایه‌گذاری در قره‌باغ و یا ویدنوی آوریل ۲۰۲۰ که کامیون‌های ایرانی که رهسپار قره‌باغ هستند را نشان می‌دهد، برای حکومت اسلامی ایران دردسر ساز شده‌اند. آن‌چه در روزهای نخست آغاز جنگ قره‌باغ به آتش احساسات در آذربایجان ایران دامن زده، انتشار ویدنوی است که در آن کامیون‌هایی با چادر بسته (بار آن‌ها بدین ترتیب مخفی شده) از نوردوز، مرز ایران و ارمنستان عبور می‌کنند. مقامات حکومت اسلامی ایران ارسال کمک نظامی به ارمنستان را تکذیب می‌کند اما این حکومت در این چهار دهه حاکمیت خونین خود به حدی دروغ‌های شاخدار تحویل مردم ایران داده است که کسی حرف‌ها آن‌ها را حتی درست هم باشد نمی‌پذیرند.

با این همه برگزاری تظاهرات در آن پیش‌بینی شده بود، نمایندگان ولی‌فقیه در چهار منطقه آذربایجان (آذربایجان غربی و شرقی، اردبیل و زنجان) به جای موضع رسمی دولت اعلامیه مشترکی منتشر کردند که در آن بر ضرورت بازپس دادن ناگورنو قره‌باغ به آذربایجان تاکید شده بود. این اعلامیه بر حقوق بین‌الملل، امر اخلاقی و برادری اسلامی تکیه می‌کند و بر این مسئله تاکید دارد که هم اصول قرآن و هم فلسفه دفاع از مظلومین جمهوری اسلامی نویسندگان آن را ملزم می‌دارد که از آذربایجان و مبارزه‌اش دفاع کنند.

البته چنین اعلامیه‌هایی تازگی ندارند. آیت‌الله حسن عاملی نماینده ولی‌فقیه در اردبیل و جانشین آیت‌الله موسوی اردبیلی همانند او بارها در گذشته بر ضرورت همبستگی اسلامی در درگیری قره‌باغ تاکید کرده است. از طرف دیگر محسن رضایی، فرمانده سابق سپاه پاسداران در سال ۲۰۱۳ اعلام کرد اجازه تمرین در خاک ایران را به نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان داده است و نیروها و سلاح‌های ایرانی برای تمرین به نوبه خود به آن سوی مرز رفته بودند. تعجب برانگیز آنست که از واژه «جمهوری آذربایجان» برای نام بردن از همسایه شمالی استفاده نمی‌شود و نویسندگان اعلامیه به استفاده از «آذربایجان» اکتفا کرده‌اند. در حالی که مقامات رسمی حکومت اسلامی ایران عادت به استفاده از «جمهوری آذربایجان» دارند که اجازه می‌دهد بین این کشور و آذربایجان ایران فرق بگذارند و بدین ترتیب بر وجود مرز سیاسی و نهادین و حتی فرهنگی بین این دو منطقه تاکید کنند. استفاده از واژه عمومی «آذربایجان» برای نامیدن کشوری که پایتخت آن باکو است می‌تواند نوعی جان‌بداری برای دل‌گرم کردن افکار عمومی آذربایجان ایران باشد که بیش از پیش برخوردی اعتراضی با این درگیری دارند.

شاید هدف این نوع گفتمان‌ها در نهایت تلاش‌ست در راستای کنترل تند ملی‌گرایی ترکی را کنترل کنند و آن‌ها را با چارچوب نظری حکومت اسلامی تطبیق دهند: همبستگی با آذربایجان شمالی در درجه اول شیعه‌ای است نه ملی. در اعلامیه که در بالا ذکر آن آمد تاکید شده که آذربایجان «کشور اهل امت» است که اشاره به الهیات شیعه در مورد پیامبر و امام‌ها دارد. با این همه به دلایل نامعلومی حکومت اسلامی نیروهای زیاد نظامی و سپاهی خود را به مرزها خود با قره‌باغ و ارمنستان فرستاده است.

ظاهراً در پی انتشار خبرهایی از اصابت چند گلوله و سقوط تعدادی پهپاد به مرزهای ایران از سوی مناطق درگیری میان آذربایجان و ارمنستان، منابع رسانه‌ای وابسته به سپاه پاسداران روز شنبه ۲۴ اکتبر از استقرار تجهیزات نظامی و بازدید یکی از فرماندهان سپاه از مناطق مرزی این کشور با آذربایجان خبر دادند.

به گزارش خبرگزاری حکومتی تسنیم، محمد پاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران، با حضور در مناطق مرزی آذربایجان شرقی با منطقه درگیری قره باغ در شهرستان مرزی «خداآفرین» گفته است: «اعزام و استقرار یگان‌هایی از نیروی زمینی سپاه در این منطقه در راستای اهداف و صیانت از منافع ملی و همچنین تامین امنیت و آرامش مردم منطقه انجام شده است.» اما خطیب‌زاده بخشی از علل اعزام نیروهای نظامی به مرزها با ارمنستان را به زبان آورده و گفته که ایران نگران اعزام «تندروها» به این جنگ است. بیش از این روز دوشنبه گذشته سعید خطیب‌زاده سخنگوی وزارت خارجه حکومت اسلامی ایران، اعلام کرد که کشورش از اعزام آن‌چه او «تندروها» به آذربایجان توصیف کرد، نگران است و از دو طرف درگیری خواست تا به قوانین بین‌المللی پایبند باشند.

او طی یک کنفرانس مطبوعاتی در تهران گفت که پس از آغاز جنگ در قره‌باغ، ده‌ها گلوله و پهپاد از سوی طرف‌های درگیر به روستاهای مرزی ایران سقوط کرد. او هشدار داد که «کشور» هرگونه تعرض به سرزمین خود «حتی اگر به‌طور اشتباه» صورت بگیرد، پاسخ خواهد داد.

حکومت اسلامی با بحران‌های داخلی و احتمال خیزش‌های عظیم مردمی رویه‌روست به این دلایل احتمالا سران حکومت اسلامی ایران به این نتیجه رسیده‌اند که ریاکاری به خرج دهند و برای سرپوش گذاشتن به ارسال سلاح به ارمنستان و کنترل تظاهرات‌ها در شهرهای آذربایجان در دفاع از جمهوری آذربایجان چهار امام جمعه و نماینده خامنه‌ای در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل و زنجان بیانیه صادر کنند و مدعی شوند که در این جنگ طرف جمهوری آذربایجان هستند. بنابراین تظاهرات در شهرهای ترک‌نشین ایران و تهران، یا از سوی عوامل حکومت اسلامی و یا توسط پان‌ترکیست‌ها برگزار می‌شوند که ربطی به صلح و دوستی مردم آزاده و ضدجنگ آذربایجان و ارمنستان ندارند. تعدادی هم که دستگیر شده‌اند همین پان‌ترکیست‌ها هستند. شعارهایی که در این تظاهرات سر داده شده‌اند به غایت غیرانسانی و چندان‌آور و نفرت‌انگیز هستند. به‌علاوه حضور نیروهای ترکیه به‌ویژه نیروهای مزدور سلفی و گروه‌های جهادی ترکیه در خاک آذربایجان و مرزهای ایران و ارمنستان عامل بسیار پیچیده جدیدی را وارد ماجرا می‌کند. اردوغان و پوتین ممکن است تلاش کنند تا توافق جدیدی را به ارمنی‌ها و آذربایجانی‌ها تحمیل کنند که متناسب با منافع خودشان است بدون این که توجهی به اصول انسانی توجه کنند. در حال حاضر تنها کسانی و جریان‌هایی که از جنگ جدید استقبال کرده‌اند عبارتند از: پان‌ترکیست‌های ایرانی، ناسیونالیست‌های ترک منطقه، دانشکده‌های ارمنی، ترکیه اردوغان و صنعت دفاعی روسیه که تسلیحات نظامی هر دو طرف را تامین کرده است، اسرائیل که سلاح‌هایش را به سوی سرازیر کرده است و ... اما حکومت اسلامی سخت نگران است چرا که خود حکومت دچار بحران‌های عدیده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و دیپلماسی است اکنون این نگرانی هم به نگرانی‌هایش افزوده شده که اعتراض‌ها در مناطق ترک‌نشین ایران، آن‌چنان بالا بگیرد که نوک تیز آن بر علیه حکومت اسلامی بگردد و از سوی دیگر، نیروهای سلفی و گروه‌های اسلامی مخالف حکومت سوریه که توسط ترکیه وارد آذربایجان شده‌اند به مرزهای ایران نفوذ کنند.

منطقه قره‌باغ کوهستانی محصور در خشکی با مساحتی حدود ۴۴۰۰ کیلومتر مربع در قفقاز جنوبی و در جنوب شرقی کوه‌های قفقاز کوچک واقع شده است. این منطقه از غرب با جمهوری ارمنستان، از جنوب با ایران و از شمال و شرق با جمهوری آذربایجان هم‌مرز است. پایتخت آن شهر استپاناکرت و شهر شوشی مرکز فرهنگی آن است. این منطقه تاریخ طولانی و پرفراز و نشیبی را از سر گذرانده است. هر دو طرف این جنگ در طی دهه گذشته سلاح‌های مخرب و ویران‌گری را خریده و انبار کرده‌اند اکنون از پهباد و سلاح‌های دوربرد مہیبی استفاده می‌کنند از جنبه انسانی بسیار مهلک و خطرناک است. در هفته‌های اخیر با آغاز جنگ جدید، صدها انسان بی‌گناه و بی‌دفاع غیرنظامی از طرفین درگیر جان خود را از دست داده‌اند.

به گزارش مامور کمسیون حقوق بشر محلی در منطقه، در این جنگ جدید بیش از ۷۰۰۰۰ نفر غیرنظامی مجبور به فرار از منطقه شده‌اند. عفو بین‌الملل استفاده از بمب‌های خوشه‌ای که طبق قوانین بین‌المللی ممنوع هستند را گزارش کرده است. همچنین در گزارش‌ها آمده است که توپخانه ارمنستان مراکز شهری در داخل آذربایجان را هدف قرار می‌دهد. در این میان مسلم است که بسیاری از سربازان و وظیفه جوان در نبردهای خونین در مناطق کم‌اهمیت این قلمرو در حال مرگ هستند. بنابر گزارش «آکادمی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر ژنو» در خصوص جنگ‌ها که در سال ۲۰۱۸ انتشار یافت، کشور ارمنستان نه تنها با حمایت تسلیحاتی، مالی، آموزش نظامی، و پشتیبانی عملیاتی از «جمهوری قره‌باغ» و نیروهای آن، بلکه با مشارکت در هماهنگی و کمک به برنامه‌ریزی کلی فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی آن منطقه در قره‌باغ کوهستانی می‌پردازد.

در جریان و تداوم این جنگ، جنگ روانی شدیدی در تلویزیون و رسانه‌های اجتماعی درمی‌گیرد که در آن هر طرف با واژه‌های مسموم‌کننده‌ای چون «فاشیست»، «ضد اسلام»، «کافر»، «جنگ تا پیروزی»، «می‌کشم می‌کشم آن که برادرم کشت» و ...، همدیگر را محکوم می‌کنند و بر طبل جنگ می‌کوبند. احتمالا یکی از اهداف این جنگ تبلیغاتی رسانه‌ای نه فقط کوبیدن و محکوم کردن طرف دیگر، بلکه در عین حال صداهای ضدجنگ در کشور در حال جنگ و منطقه و حامیان بین‌المللی آنان و کسانی است که مدافع صلح و گفت‌وگوی سیاسی برای حل و فصل اختلافات هستند.

این جنگ، یک جنگ ارتجاعی بین دو دولت فاسد آذربایجان و ارمنستان با حمایت دولت‌های فاسدتر از آن‌ها، یعنی حکومت اسلامی ایران، حکومت روسیه و حکومت ترکیه است. بنابراین هیچ فرد انسان‌دوست، برابری‌طلب، آزادی‌خواه و ضدجنگ هرگز وارد جبهه‌های جنگ این دو کشور و تظاهرات آن‌ها نمی‌شود.

در پایان لازم به تاکید است که متأسفانه جنگ جدید بیش‌تر از گذشته در حال گرفتن جان انسان‌ها و ویران‌گری مناطق مسکونی است. احتمالا تنها زمانی متوقف خواهد شد که آذربایجان پس از بازپس‌گیری میزان قابل‌توجهی از اراضی با صرف هزینه‌های بسیار انسانی، تصمیم به قطع جنگ گیرد. شاید زمستان در کوهستان بتواند به قطع موقت جنگ کمک کند. به‌نظر موضع اصولی و انسانی بر علیه جنگ‌ها و با هدف قطع جنگ است. چرا که رفتن به جبهه جنگ این و یا آن حکومت، اولاً جنگ را شعله‌ورتر و طولانی‌تر می‌کند و دوماً طرفداری از یک طرف جنگ علیه طرف دیگر، عملاً شراکت در جنگ و کشتار و ویرانی است. بنابراین نقد و نظر به جنگ‌های حکومت‌ها از جنبه انسانی بسیار مهم و اساسی است که قربانیان بیش‌تر آن کودکان و زنان و شهروندان غیرنظامی و سربازان وظیفه هستند.

به باور من، راه‌حلی‌هایی که تاکنون دولت‌های منطقه و سازمان ملل و یا گروه مینسک به رهبری روسیه و فرانسه و آمریکا داده‌اند حتی به کاهش تنش‌ها و درگیری‌های نظامی بین دو کشور ارمنستان و آذربایجان نیز منجر نشده‌اند. همان‌طور که اشاره شد جنگ بین ارمنستان و آذربایجان بر سر قره‌باغ کوهستانی، تاریخ طولانی دارد و سه راه‌حل برای پایان دادن به این مناقشه وجود دارد: اجرای قطع‌نامه‌های سازمان ملل و واگذاری قره‌باغ به جمهوری آذربایجان ۲- ادامه جنگ و صلح‌های شکننده و سوم این که این منطقه به‌عنوان یک منطقه خودگردان و مستقل اعلام شود تا ساکنان آن که به‌طور سنتی

ارمنی، آذری، کرد، اوسیت‌ها و طالش‌ها هستند بتوانند در فضایی آزاد و آرام و بدون جنگ و پاک‌سازی نژادپرستی سرنوشت خودشان را مستقیماً به دست خویش رقم بزنند.

دو راه حل نخست یعنی واگذاری قره‌باغ به آذربایجان با اتکا به قطع‌نامه‌های سازمان ملل و جنگ و صلح‌های شکننده تاکنون جوابی نداده است بنابراین راه حل سوم است که به احتمال قوی می‌تواند به این جنگ و مناقشه طولانی خاتمه دهد. در این منطقه ارمنی‌ها و آذری‌ها و کردها و غیره زندگی می‌کنند آن‌ها قادرند خود را بدون دخالت دولت‌های ارمنستان و آذربایجان و سایر دولت‌ها مدیریت کنند و در کنار هم در صلح و صفا زندگی کنند! این موضع به‌ویژه موضع جوانان و نیروهای چپ مناطق ترک‌نشین آذربایجان ایران است. بنابراین هر انسان آزاده‌ای موظف است با صدای بلند خواهان قطع این جنگ ویرانگر و خاتمانسوز شود بدون این که وارد جبهه جنگ آذربایجان و یا ارمنستان گردد. بی‌گمان این جهت‌گیری به نفع مردم آذربایجان و ارمنستان و همه شهروندانی است که در دهه‌های گذشته، همواره درگیر یک جنگ ناخواسته و دودمان‌برانداز حکومت‌ها بوده و هنوز هم هستند.

دوشنبه پنجم آبان ۱۳۹۹ - بیست و ششم اکتبر ۲۰۲۰

ضمایم:

*بهرام رحمانی: جنگ و صلح شکننده در قره‌باغ کوهستانی!

<http://cpiran.org/2020/10/mataleb/page7.html>

*بهرام رحمانی: جنگ آذربایجان و ارمنستان را محکوم کنیم و در شوهای این حکومت‌های جنگ‌طلب شرکت نکنیم!

[http://www.gozareshgar.com/10.html?&tx_ttnews\[tt_news\]=41651&tx_ttnews\[backPid\]=23&cHash=e0d9d8e0e650bb47bfcb13463e3a86f8](http://www.gozareshgar.com/10.html?&tx_ttnews[tt_news]=41651&tx_ttnews[backPid]=23&cHash=e0d9d8e0e650bb47bfcb13463e3a86f8)

*گفتگوی صدای نو در سیدنی با بهرام رحمانی که در ۷ مهر ۲۸ سپتامبر در باره شروع مجدد جنگ آذربایجان و ارمنستان، صفت‌بندی‌ها و تاثیرات این جنگ در منطقه انجام شده است.

[?https://www.youtube.com/watch?v=g_pycerGZsA](https://www.youtube.com/watch?v=g_pycerGZsA)

*تلویزیون برابری: دیالوگ آرش کمانگر با بهرام رحمانی نویسنده و تحلیلگر سیاسی چپ اهل خوی ساکن سوئد درباره جدال ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر ناگورنی قره‌باغ، مواضع رژیم‌های منطقه، اعتراضات بخش‌هایی از مردم آذری ایران در حمایت از مواضع الهام علی‌اف و اردوغان و شعارهای فاشیستی در این رشته اعتراضات.

<https://youtu.be/VIIdPboMoYkQ>